

بررسی و تحلیل علایق ژئوپلیتیک بازیگران خارجی موثر در بحران ژئوپلیتیک سوریه

محمدحسین افشردی (استاد جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران)

mh.Afshordi@gmail.com

اسماعیل علمدار (دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

s.alamdar@modares.ac.ir

چکیده

غرب و جنوب غرب آسیا متلاطم‌ترین منطقه ژئوپلیتیک جهان می‌باشد. طی نیم قرن اخیر این منطقه عرصه رقابت و تقابل منافع قدرت‌های بزرگ جهانی و منطقه‌ای شده است. با شکل‌گیری رژیم اشغالگر قدس در سال ۱۹۴۸م این ناامنی روزبه‌روز بیشتر شده و توجه قدرت‌های جهانی بویژه آمریکا به این منطقه برای دستیابی به منافع هرچه بیشتر و دستیابی به جایگاه برتر و دوم قدرت جهانی بیش از پیش شده است. کشور سوریه که در همسایگی این رژیم قرار گرفته است، طی هفت سال اخیر صحنه بیشترین درگیری‌ها و تنش‌ها بوده و از سال ۲۰۱۱ م هنوز رنگ امنیت و آرامش را به خود ندیده است. سوریه به علت موقعیت ژئوپلیتیک ویژه‌ای که در غرب آسیا، سواحل دریای مدیترانه و شمال فلسطین اشغالی دارد عرصه بیشترین رقابت میان قدرت‌ها در سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای، فرامنطقه جهانی قرار گرفته است. این پژوهش سعی دارد با روش توصیفی - تحلیلی به این سوال اساسی پاسخ دهد که مهم‌ترین بازیگران سیاسی خارجی در بحران ژئوپلیتیک سوریه چه علایق ژئوپلیتیک دارند؟ با واکاوی علایق ژئوپلیتیک هریک از این بازیگران سیاسی می‌توان ریشه بحران را دقیق‌تر مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و چشم‌انداز سیاسی سوریه را واقع‌بینانه‌تر ترسیم کرد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که هرچند نقطه آغاز بحران ژئوپلیتیک سوریه ناشی از زمینه‌های فساد اداری - مالی و سیاسی و ... در درون آن بوده است؛ اما گسترش و عمیق‌تر شدن این بحران و تزیق انواع گروه‌های تروریستی و تکفیری به این کشور و حمایت‌های مالی - تسلیحاتی قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی ناشی از علایق ژئوپلیتیک متضاد دو طیف واگرا و هم‌گرا می‌باشد. ایران و روسیه با وجود داشتن علایق ژئوپلیتیک اختصاصی دارای برخی علایق مشترک در زمینه مبارزه با تروریست و داعش و حفظ رژیم بشار اسد و مقابله با نفوذ آمریکا می‌باشند. در طرف مقابل مقابله با نفوذ منطقه‌ای ایران، براندازی

نظام بشار اسد و نابودی جنبش‌های مقاومت، فصل مشترک علایق جبهه غربی - عربی - ترکی و اسرائیل می‌باشد.

واژگان کلیدی: علایق ژئوپلیتیک، سوریه، بازیگران منطقه‌ای و جهانی

مقدمه

منطقه غرب و جنوب غرب آسیا با دارا بودن حجم عظیم منابع فسیلی و موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژی همواره در نظریات جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک جایگاه ویژه‌ای داشته است. خاورمیانه از یک سو به گفته‌ی کوهن کمر بند شکننده‌ای است که بی ثبات و رسوخ پذیر است و از سوی دیگر به دلیل وجود حجم عظیمی از منابع انرژی، منطقه‌ای حیاتی است، که به همین دلایل به آوردگاه رقابت میان قدرت‌ها تبدیل شده و هر قدرت متناسب با تعلقات ژئوپلیتیک خود به مدیریت و کنترل این منطقه مبادرت می‌ورزد. بدین ترتیب، منطقه خاورمیانه می‌تواند فیوز تنظیم یک جنگ بزرگ در جهان تبدیل شود (Dashiri & Golestan, 2014: 18). منطقه شامات (سوریه، اردن، فلسطین و لبنان کنونی) از هزاران سال پیش بعنوان گهواره تمدن بزرگ جهانی شناخته می‌شده است. کشور جمهوری عربی سوریه که در نقطه ثقل این منطقه جغرافیایی قرار گرفته است؛ حاصل بازتاب‌های سیاسی دخالت قدرت‌های بیگانه بواسطه قرارداد سایکس پیکو در اواخر جنگ جهانی اول و فروپاشی عثمانی (۱۹۱۶م) بوده است. بیش از سی سال این کشور طبق نظر جامعه ملل به قیمومیت فرانسه درآمد و در سال ۱۹۴۶م از زیر سلطه استعمار فرانسه خارج شد. نام سوریه برای اولین بار در اثر هرودت به شکل «Shryon» در خط میخی و «siryon» در زبان عبری استعمال می‌شده که بر لبنان شرقی اطلاق می‌شده است (Ghadeen, 2001: 36). نام کنونی سوریه را نیز فرانسویان پس از مستعمره نمودن این سرزمین از روی تاریخ کهن این بخش از جهان بر این کشور نهادند (Dehghan et.al, 2016: 98). همزمان با خروج فرانسه، سوریه دارای بحران‌های سیاسی و اقتصادی بود. ضعف ارتش و عقب ماندگی اقتصادی و... از مشکلات متعددی بود که سوریه با آن دست و پنجه نرم می‌کرد. در همین حال با تشکیل دولت یهود در فلسطین و بروز جنگ میان نیروهای عرب و یهود و شکست ارتش سوریه در جنگ، این کشور با بحران‌های داخلی و خارجی جدید و مشکلات بیشتری روبرو بود (Kavousi, 2016: 112). با تشکیل اسرائیل در ۱۹۴۸م امنیت منطقه غرب آسیا به خطر افتاد. پس روی کار آمدن رژیم بعثی (حافظ اسد و بشار اسد)، کشور سوریه، نسبت به کشورهای عربی مجاور از ارتش قدرتمندتری برخوردار بوده است. بگونه‌ای که در دوره‌هایی از تاریخ امنیت لبنان را

هم تامین می‌کرده است. با شکل‌گیری محور مقاومت در لبنان، کرانه باختری رود اردن، غزه و رویکرد جدید عراق پس از صدام، رژیم صهیونیستی در یک تنگنای استراتژیکی قرار گرفت که مترصد فرصتی برای باز کردن این منگنه ژئوپلیتیک بود. آغاز بیداری اسلامی از کشورهای شمال آفریقا و تزریق آن به کشورهای عربی غیر دموکراتیک زمینه را فراهم کرد تا این موج با شکل و سناریوی حساب شده وارد سوریه شود؛ که از حیث علل و پیامدها با سایر کشورهای آفریقایی و عربی متفاوت بوده است. مشابه بودن فضا در کشورهای شمال آفریقا و جنوب غرب آسیا شامل تونس، مصر، لیبی، سوریه، بحرین و اردن در مقیاس کوچکتر عربستان سعودی، الجزایر، عمان، کویت، مراکش، موریتانی و سودان زمینه ساز شعار واحد در همه این کشورها را فراهم آورده است (Movaphaghiyan et. al, 2012: 112). از کازابلانکا در کنار اقیانوس اطلس تا حمص و ادلب در شام مردم فریاد واحدی سر می‌دادند: الشعب نريد سقاط النظام (مردم برکناری حکومت را می‌خواهند) (Korotayav & Zinkina, 2011: 142). جرقه بحران سوریه در شهر مرزی درعا در تاریخ ۱۵ مارس ۲۰۱۱ م با شعار نویسی چند دانش آموز نوجوان علیه نظام حاکم زده شد (Ghasemian, 2013: 58) این اقدام با واکنش نامناسب دولت سوریه مواجه شد و بعد از آن درگیری‌ها افزایش یافت که با دخالت بازیگران داخلی، منطقه‌ای و جهانی به یک بحران تمام عیار ملی تبدیل شد (Ahmadi & Bahrami, 2015: 200). لذا در کشاکش این درگیری‌های داخلی طی ۸ سال گذشته بسیاری از زیرساخت‌های کشور نابود و بیش از ۶ میلیون نفر آواره شدند. بحران سوریه از نظر جنس، علل و پیامدها با سایر بحران‌ها در منطقه متفاوت است و در آن عامل ژئوپلیتیک نقش مهمی دارد. در این بحران ژئوپلیتیکی، بازیگران سیاسی در سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و جهانی نقش ایفا می‌کردند. لیکن شناخت علایق ژئوپلیتیک هر یک از بازیگران مداخله‌گر مهم و کلیدی می‌باشد. لذا این پژوهش سعی دارد در قالب الگوی چند سطحی با روش توصیفی-تحلیلی به علایق ژئوپلیتیکی مهم‌ترین بازیگران در سطوح مذکور بپردازد.

چارچوب مفهومی- نظری پژوهش

امروزه ژئوپلیتیک قدیم را ابزار جنگ تلقی می‌کنند، لیکن بر خلاف ژئوپلیتیک قدیم، ژئوپلیتیک جدید که مطالعه کاربردی رابطه فضای جغرافیایی با سیاست را ممکن می‌سازد، برای توسعه همکاری‌های بین المللی و صلح می‌تواند به خدمت درآید (Shams Dolatabadi, et. All, 2007: 85). ژئوپلیتیک به عنوان تحلیل تعامل میان زمینه‌های جغرافیایی و دیدگاه‌های مرتبط با آن از یک سو و فرایندهای سیاسی از سوی

دیگر تعریف می‌شود. بنابراین، زمینه‌های جغرافیایی و فرایندهای سیاسی هر دو پویا هستند و بر یکدیگر تاثیر گذاشته و تاثیر می‌پذیرند (Cohen, 2008: 42). اما حافظنیا در یک تعریفی دیگر، ژئوپلیتیک را علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آنها با یکدیگر می‌داند (Hafeznia, 2006: 37). ژئوپلیتیک تصویر کلان را ارائه داده و روش ارتباط تحولات محلی و منطقه‌ای با سیستم و نظام جهانی به عنوان یک کل را پیشنهاد می‌دهد (O Tauthail, et. All, 2011: 22). یکی از مفاهیم اساسی در علم ژئوپلیتیک تعلق ژئوپلیتیک^۱ می‌باشد؛ که عبارت است از مکمل‌های فضایی و جغرافیایی مفروض در ماورای مرزها که به لحاظ ساختاری از تجانس برخوردار بوده و به لحاظ کارکردی تامین‌کننده نیازها و کاستی‌های یک کشور محسوب گردد. تعلق ژئوپلیتیک به نوعی زیربنای علایق و منافع ملی کشورها را تشکیل می‌دهد و ناظر بر مواردی هست که بر تمام یا بخشی از خصیصه‌های طبیعی و انسانی کشور تجانس و همگونی دارند و یا مواردی هستند که تامین‌کننده احتیاجات کشور در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، تجاری، ارتباطی، فرهنگی، اجتماعی، دینی، علمی، تکنولوژیک، نظامی، امنیتی، حیثیتی یا زیست محیطی می‌باشند و کشور به آنها دلبستگی و علاقه دارد (Hafeznia, 2006: 120). در بحران‌های ژئوپلیتیک کشورهای مداخله‌گر به دنبال منافع ملی خود می‌باشند که این امر در چارچوب نظریه توزان قوا قابل تجزیه و تحلیل است. واقع‌گرایی که از دهه ۱۹۴۰ میلادی بوجود آمده و همچنان تا به امروز بعنوان پارادایم مسلط در روابط بین‌الملل باقی مانده است. هرچند در طول زمان شکل خود را عوض کرده لیکن این توانایی دگرگونی، یکی از دلایل اصلی تداوم هژمونی واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل است (Mohammad Khani, 2009: 84). مورگنتا زمانی نظریه‌ی «سیاست براساس قدرت» را مطرح کرد که ایده‌آلیسم سیاسی امیدهایی دوردست و ناممکن را در میان مردم و دولتمردان به وجود آورده بود (Sarei Olghalam, 1999: 65). به طور کلی مورگنتا بعنوان یکی از تئوری پردازان روابط بین‌الملل اعتقاد داشت که سیاست‌های بین‌المللی از طریق قوانین جهانی و عینی مبتنی بر منافع ملی و قدرت، و نه محرک‌های روانشناختی تصمیم‌گیران، مدیریت می‌شود (Hafeznia, 2010: 11). به عبارتی دیگر او اذعان دارد که «دولتمردان در چارچوب منافع خود که به مثابه قدرت تعریف می‌شود، فکر و عمل می‌کنند» او در توصیف خود از عملیات موازنه قدرت، این تمایز را مطرح می‌کند: «مادام که موازنه قدرت به طور موفقیت آمیزی اجرا شود... یک ثبات عاریتی در روابط میان ملت‌های مربوط ایجاد می‌کند، ثباتی که همواره در خطر

1. Geopolitical Interests

نابودی است و بنابراین، همواره نیازمند این است که تجدید بنا شود. اما در عین حال، این تنها ثبات قابل حصول تحت شرایط مفروض الگوی قدرت است. به علت این که اینجا با یک تناقض درونی اجتناب ناپذیر موازنه قدرت مواجه هستیم» (Emerson, 2002: 74). لیکن کشورهای مداخله گر در یک منطقه ژئوپلیتیک بحرانی به دنبال علایق ژئوپلیتیک خود بر مبنای منافع ملی خود هستند؛ که این متغیرها را می توان در چارچوب نظریه توازن قوا تجزیه و تحلیل نمود.

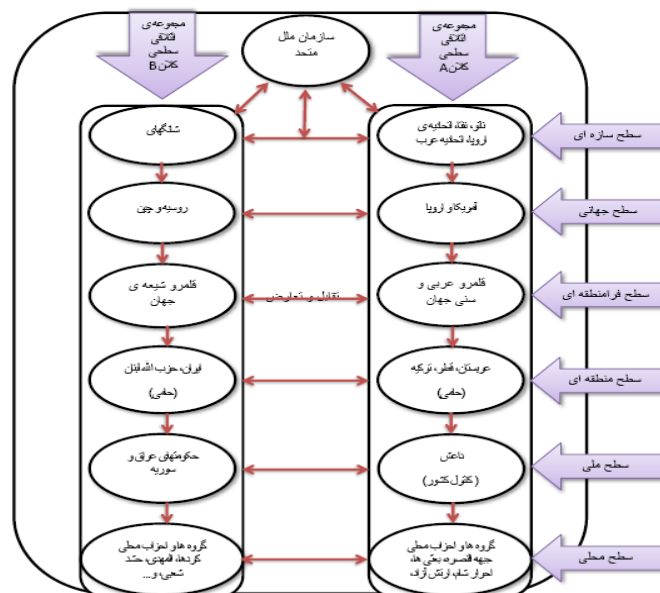
روش شناسی پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش مبتنی بر رویکرد توصیفی - تحلیلی بوده و با توجه به ماهیت و نوع موضوع مورد مطالعه، گردآوری داده ها و اطلاعات از روش های گوناگون و به طور کلی بر مبنای روش کتابخانه ای صورت گرفته و از منابع داخلی و خارجی مکتوب در این زمینه استفاده شده و سپس به تجزیه و تحلیل یافته های تحقیق پرداخته شده است. نوع تحقیق کاربردی - توسعه ای می باشد که پژوهشگران عرصه جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، روابط بین الملل، مطالعات منطقه ای، دیپلمات های وزارت خارجه، مسئولین لشکری و کشوری در حوزه جغرافیای سیاسی و نظامی و دانشجویان این رشته می توانند در راستای امور تخصصی خود از آن بهره برداری کنند.

یافته و تجزیه و تحلیل

فضای ژئوپلیتیک هر کشور یا منطقه ای تحت تاثیر عوامل مختلف با کاردهای متفاوت می تواند در طیفی از شرایط کاملا مساعد تا شرایط نامساعد قرار داشته باشد و بازیگران نظام بین الملل تحت تاثیر اهداف خاص خود می کوشند تا محیط ژئوپلیتیک آن کشور یا منطقه را تعریف و تبیین نمایند (Nozari, 2016: 35). منطقه ژئوپلیتیک غرب آسیا بر مبنای مدل پنج مرحله ای حافظ نیا در مرحله ی سازه ژئوپلیتیک به سر می برد. بحران های اخیر بین المللی مانند بحران تونس، لیبی، مصر و... نشان داده اند که منشا اکثر بحران ها از درون دولت ملی برمی خیزند. دولت های ملی در پاسخ به بحران به دو نوع «دولت استوار» و «دولت درمانده» تقسیم می شوند. آشوب های داخلی در دولت استوار با پاسخی «قطعی» و «همه جانبه» روبرو شده و آنها را مدیریت می کنند. لیکن «دولتهای درمانده» به دلیل ضعف های مختلف در امور نظامی، اقتصادی، سیاسی و .. ناتوان از برخورد با آشوب های داخلی هستند. این آشوب ها ابتدا نظم داخلی را به چالش کشیده و سپس به نظم منطقه ای و بین المللی سرایت کرده است و نظام مسلط تابعه را به چالش می کشد.

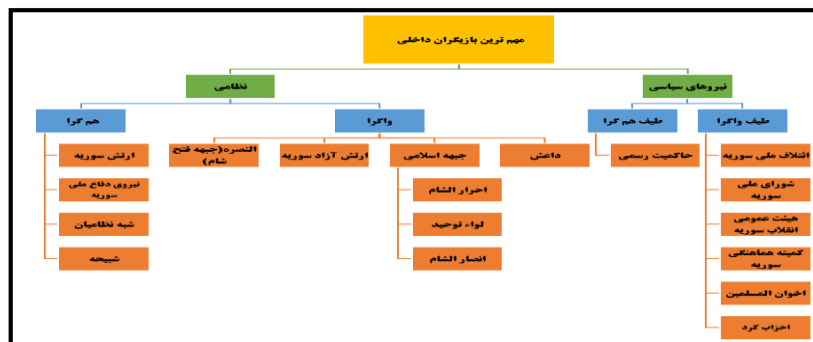
از این رو بازیگران منطقه‌ای و جهانی متناسب با منافع، علایق و تعلقات و نگرانی‌های ژئوپلیتیک به مداخله و مدیریت آن می‌پردازند. منشأ بحران سوریه از بدو امر از نوع داخلی بوده که به دلیلی عدم توانایی پاسخ منسجم و همه جانبه به بحران، و علایق ژئوپلیتیک متضاد کشورهای منطقه و فرمانطقه‌ای بحران سریز کرده و نظام منطقه‌ای و جهانی را همزمان با خود درگیر کرده است. بدین ترتیب، علاوه بر برخورد نظام سیاسی با مخالفان و معترضان، مخالفت‌ها از مرزها فراتر رفته و ناآرامی‌ها در سوریه به صحنه جنگ آتشین براساس منطق موازنه قوای نامتقارن میان قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای بین‌المللی تبدیل گردیده است (Dashiri & Golestan, 2014: 17). موقعیت ژئوپلیتیک منحصر به فرد سوریه با سه عامل واقع شدن در منطقه استراتژیک خاورمیانه، قرار گرفتن در کناره شرقی دریای مدیترانه و برخورداری از ۱۸۳ کیلومتر ساحل و همسایگی با فلسطین اشغالی، لبنان، ترکیه و عراق به وضوح اهمیت ژئوپلیتیک این کشور را در مناسبات منطقه‌ای و جهانی نمایان می‌سازد (18: same). از این رو با توجه به اهمیت این مساله، فضای سرزمینی این کشور را تبدیل به میدان شطرنجی در رقابت کشورهای منطقه‌ای و فرمانطقه کرده است (Rahmatipour, 2014: 15). از آن جایی که بحران سوریه بحرانی ژئوپلیتیک است، الگوی مداخله به صورت چند سطحی تشکیل می‌گردد.



شکل ۱- نظریه سازه ژئوپلیتیک مداخله در بحران‌ها (مورد عراق و سوریه)

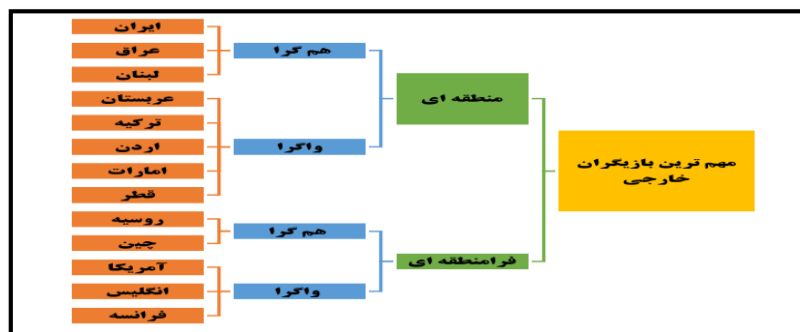
Source: Hafeznia 2015

در شروع و گسترش بحران سوریه بازیگران داخلی و خارجی متعددی نقش داشته‌اند که در ادامه شکل شماره ۲ و ۳ به طور اختصار این بازیگران را در قالب دو طیف واگرا و هم‌گرا نشان داده‌اند. همانطور که در شکل شماره ۲ نشان داده شده است؛ بازیگران داخلی سوریه بسیار متعدد و هریک از آنها از ناحیه یک بازیگر درجه اول و درجه دوم منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای حمایت می‌شوند. همین امر باعث شده است؛ تا یک جمع بندی نهایی برای تشکیل یک حکومت واحد یا ائتلافی در سوریه شکل نگیرد. در شکل شماره ۳ به مهم‌ترین بازیگران خارجی دخیل در بحران ژئوپلیتیک در قالب دو طیف هم‌گرا و واگرا در سطوح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای اشاره شده است. در این پژوهش سعی شده است با توجه به نقش کلیدی بازیگران خارجی در بحران سوریه به علایق ژئوپلیتیک هریک از آنها به طور مفصل پرداخته شود.



شکل ۲- مهم ترین بازیگران داخلی سوریه

منبع: نگارندگان



شکل ۳- مهم ترین بازیگران خارجی سوریه

منبع: نگارندگان

علائق ایران در سوریه

یکی از مشکلات اصلی امنیتی ایران در منطقه جنوب غرب آسیا، فقدان متحد استراتژیک (به غیر سوریه) چه در سطح منطقه و چه فراتر از آن است. کشور سوریه به عنوان تنها متحد استراتژیک ایران می‌تواند نقش بسیار مهمی برای سیاست‌های امنیتی ایران بازی کند (Simbar R Ghorbani, 2014: 150). از سویی دیگر، محیط هرج و مرج گونه جنوب غرب آسیا فاقد یک ساختار امنیتی مورد اجماع کشورهای منطقه است و در سایه ی فقدان چنین سازوکارهایی، ترتیبات پیمان‌های مختلف و گاه متعارض شکل گرفته‌اند. اتحادیه عرب، شورای همکاری خلیج فارس، سازمان امنیت جمعی (روسیه و آسیای مرکزی)، سازمان همکاری شانگهای، پیمان گوم، سازمان انتخاب دموکراتیک، پیمان ناتو و ترتیبات فرعی آن در منطقه و قراردادهای دوجانبه میان کشورهای منطقه و کشورهای فرامنطقه‌ای، وضعیت پیچیده‌ای را بوجود آورده است که ایران در هیچ یک حضور ندارد. لذا جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نظام انقلابی مستقل و ضد استکباری، لازم است سیاست‌های دفاعی و امنیتی متناسب با علایق خود و محور مقاومت در این منطقه ژئوپلیتیک بحرانی اتخاذ کند. اینجاست که سوریه نقش خود را برای ایران آشکار می‌کند. همان طوری که در جنگ تحمیلی ۸ ساله، تنها کشور عربی که متحد استراتژیک ایران بود. از آنجایی که سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی ایران در راستای حمایت از ملت‌های مظلوم و جنبش‌های مقاومت مانند حماس، حزب الله و ... می‌باشد و از سویی قرار داشتن سوریه در این حلقه مقاومت اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیکی آن را برای ما دو چندان می‌کند؛ لذا تحولات سوریه به طور مستقیم بر منافع جمهوری اسلامی ایران تاثیرگذار است. همکاری و حمایت از حکومت بشار اسد از مهم‌ترین عوامل پیشبرد رویکردهای سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه خاورمیانه می‌باشد (Sajedi, 2013: 140). ایران علاوه بر علایق ایدئولوژیک که در سوریه دارد؛ به دنبال رسیدن به اهدافی همچون قرارداد رژیوم صهیونیستی در یک تنگنای ژئواستراتژیک و گسترش حوزه قدرت حلقه مقاومت با کمک سوریه، حماس و حزب الله لبنان است. نتیجه سیاست فعال و موثر در منطقه غرب و جنوب غرب آسیا و افزایش وزن ژئوپلیتیک منطقه‌ای، حاصل سرمایه گذاری بیش از سه دهه روی نظام حکومتی خاندان اسد است. بدین ترتیب جمهوری اسلامی ایران به راحتی حاضر به ازدست دادن مهم‌ترین کد ژئوپلیتیک منطقه‌ای خود نیست.

علایق ژئوپلیتیک روسیه

روابط اقتصادی و سیاسی دو کشور شوروی و سوریه از دهه ۵۰ قرن بیستم گسترش زیادی یافت. در طول جریان جنگ سرد بین دو ابر قدرت شوروی و آمریکا، نزدیکی شوروی به سوریه این امکان را ایجاد نمود تا نیروی دریایی شوروی بتواند در شرق دریای مدیترانه در بندر طرطوس سوریه به یک پایگاه دریایی مهم دست یابد. اما فروپاشی شوروی باعث گردید روسیه به قدرت درجه ۲ تنزل یافته و برای یک مدت سیاست منفعلی را در غرب آسیا پیشه کند و بیشتر به مسائل اقتصادی و سرمایه‌گذاری محدود در برخی از کشورهای منطقه مانند سوریه بپردازد. در این راستا نیز در سال ۱۳۸۸ه.ش (۲۰۰۹م) بالغ بر ۱۹ میلیارد دلار در بخش‌های زیربنایی اقتصاد، انرژی و صنعت توریسم سوریه سرمایه‌گذاری نمود. با گسترش سرمایه‌گذاری‌ها دولت روسیه موفق گردید در بخش صنعت نفت و گاز سوریه از امتیازات زیادی برخوردار گردد. پس از چند سالی روابط نظامی بین دو کشور افزایش چشم‌گیری پیدا کرد به طوری که صادرات تسلیحات نظامی روسیه به کشور سوریه که در سال ۲۰۰۱ م نزدیک به ۲ میلیارد دلار (حدود ۱ درصد از کل صادرات تسلیحاتی روسیه) بود؛ به رقمی معادل ۴ درصد در سال ۲۰۱۲م رسید. حمایت پوتین از دولت سوریه به معنای بازگشت واقعی روسیه به صحنه بین‌الملل و مهم‌ترین تحرک ژئوپلیتیک این کشور در چند سال اخیر محسوب می‌گردد. پوتین که فروپاشی شوروی را اشتباه تاریخی می‌داند، دیگر حاضر نیست روسیه آخرین پایگاه منطقه‌ای خود را در خاورمیانه (یعنی سوریه) از دست بدهد. از طرفی با قرار داشتن چین در کنار روسیه در بحران سوریه باعث گردید تا پوتین با اعتماد و تلاش بیشتری این سیاست را در منطقه را دنبال کند (Sajedi, 2013: 150). جهت‌گیری فدراسیون روسیه در قبال بحران سوریه مبتنی بر واقع‌گرایی تدافعی بوده است؛ به گونه‌ای که این کشور تلاش کرده است از یک طرف وضع موجود خود را در سوریه حفظ کند و از طرف دیگر با اتحاد و ائتلاف با کشورهایی نظیر ایران و چین از برهم خوردن موازنه قوا توسط محور غربی - عربی - ترکی در بحران سوریه جلوگیری کند. این مسئله از این جهت نیز قابل تصدیق است که فدراسیون روسیه به علت نزدیکی جغرافیایی سوریه با جمهوری‌های استقلال یافته از شوروی سابق به ویژه جمهوری‌های آسیای مرکزی، این کشورها را جزئی از حلقه‌ی امنیتی خود می‌داند و برای کنترل بحران و جلوگیری از تسری آن به درون مرزهای کشورهای خارج نزدیک تلاش کرده است. با تحکیم اتحاد خود با جمهوری اسلامی ایران و چین مانع سقوط نظام بشار اسد و افتادن حاکمیت سوریه

به دست مخالفان تحت حمایت غرب و متحدان منطقه‌ای اش شود (Beygi, 2013: & Sheikholeslam). (141).

یکی از مهمترین علایق ژئوپلیتیک روسیه در سوریه، حفظ دامنه نفوذ و میراث ابر قدرت سابق در منطقه دریای مدیترانه است. در کنار این موارد باید به حفظ پرستیژ و جایگاه بین‌المللی روسیه در جهان و به خصوص در منطقه جنوب غرب آسیا اشاره کرد. از سویی روسیه با حمایت از رژیم سوریه، خواهان حفظ توازن منطقه‌ای در قبال ترکیه است. از سویی دیگر سوریه به علت ارتباط بسیار نزدیک با ایران نقش مهمی را در جلوگیری از قدرت‌یابی بیشتر ترکیه در منطقه ایفا می‌کند. روسیه در تلاش است تا بحران سوریه را یک بحران داخلی نشان دهد، تا از این طریق مانع دخالت سایر کشورها به خصوص غرب و آمریکا در حوزه نفوذ سنتی خود شود. در واقع روسیه از طریق دیپلماسی سعی در حل بحران سوریه دارد. روسیه از این طریق هم برای خود پرستیژ کسب می‌کند و هم از گسترش بحران و ناامنی در مناطق جنوبی کشورش که از آن به عنوان خارج نزدیک خود نام می‌برد جلوگیری می‌کند.

علایق ژئوپلیتیک آمریکا

ایالات متحده آمریکا با تئوریزه کردن واژه خاورمیانه از یک قرن پیش، علاقه ژئوپلیتیک خود را به این منطقه نشان داده است. اما با تاسیس اسرائیل که کلیدی‌ترین کد ژئوپلیتیک امریکا است؛ توجه به این منطقه بسیار زیاد شد و طرح واژه‌هایی از قبیل خاورمیانه جدید از سوی کاندولیزا رایس (وزیر وقت امور خارجه) هم حاکی از اهمیت این منطقه برای آمریکا دارد. حضور فعال در خلیج فارس و مناطق ژئوپلیتیک غرب آسیا بویژه در کشورهای مرتجع عرب و جلوگیری از صدور آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران به این کشورها از مهم‌ترین اهداف آمریکا طی چهار دهه اخیر بوده است.

ایالات متحده آمریکا در اوت ۲۰۱۴ با تعدادی از کشورها، ائتلافی به اصطلاح برای مقابله نظامی با داعش تشکیل داد. عملکرد ائتلاف بین‌المللی علیه داعش نشان‌دهنده‌ی این است که حملات نیروهای ائتلاف تاکنون تنها در پی هدف قرار دادن مواضع داعش نبوده بلکه در بیشتر موارد علیه مواضع ارتش سوریه بوده است. بعنوان نمونه می‌توان به این شواهد اشاره کرد که تنها در یک عملیات، جنگنده‌های آمریکا در خاک سوریه ۱۲ پالایشگاه نفت را بمباران کردند و در عملیاتی دیگر نیز مهم‌ترین تاسیسات گازی سوریه یعنی «کونیکو» را مورد حمله قرار دادند. مجموعه این مولفه‌ها، یعنی عدم سرکوب داعش، هدف قرار دادن زیر

ساخت‌های دولتی و حمایت مالی و تسلیحاتی داعش از سوی برخی از اعضای ائتلاف نشان می‌دهد شکست داعش هدف این ائتلاف به شمار نمی‌رود (Dashiri & Golestan, 2014: 25).

علاقه ژئوپلیتیک امریکا در سوریه تجزیه و فروپاشی نظام سوریه و طولانی کردن جنگ فرسایشی و نابودی زیرساخت‌های سوریه می‌باشد؛ که با حمایت پنهان و آشکار از گروه‌های تروریستی، بخش اعظمی از این اهداف خود را دنبال می‌کند. هرچند همه این تکاپوی آمریکا و برخی از متحدان غربی مانند انگلیس و فرانسه برای شکستن حلقه مقاومتی را که به رهبری ایران شکل گرفته است می‌باشد. لیکن ایالات متحده سعی دارد تا با این تحرکات منطقه‌ای، امنیت رژیم صهیونیستی را در غرب آسیا به بهترین شکل تامین کند. در واقع آمریکا حمایت از رژیم صهیونیستی را جزو اصول اساسی سیاست خارجی خود قرار داده است. همه روسای جمهور امریکا بویژه در یک دهه اخیر، بویژه اوباما و ترامپ صریحا امنیت اسرائیل را مهم‌ترین هدف خود در خاورمیانه اعلام کرده‌اند. سفیر امریکا در تل آویو طی سخنانی تاکید نمود که واشنگتن عمیقا به امنیت این رژیم پای بند است و محور سیاست خارجی امریکا در خاورمیانه تماما به سیاست داخلی این کشور و به حضور فعالیت‌های لابی‌های اسرائیل وابسته است (Ahmadi & Bahrami, 2015: 216). بنابراین حمایت از رژیم صهیونیستی به صورت تام و بدون قید و شرط یکی از سیاست‌های ثابت امریکا صرف نظر از حاکمیت هر یک از دو حزب سیاسی این کشور می‌باشد (Babajanipour, 2013: 34). البته نباید از مساله رقابت هژمونی طلبی بین روسیه و امریکا در منطقه غافل شد. لازم به ذکر است در حوزه دیپلماسی آمریکایی‌ها در یک رقابت دیپلماتیک با روسیه قرار گرفته‌اند، به گونه ای که سعی در کم اهمیت کردن سازو کار آستانه و کنفرانس‌های صلح (ترسیم آینده سیاسی سوریه) در سوچی و آستانه و ... برگزار شد؛ دارند و می‌خواهند آینده سیاسی سوریه را از طریق شورای امنیت و نشست‌های ژنو با رهبری خود رقم بزنند.

علایق ژئوپلیتیک اسرائیل

اسرائیل از زمان تشکیلش در سال ۱۹۴۸ م امنیت غرب آسیا را با خطر مواجه کرد و به عنوان یک غده‌ی بدخیم در ساختار امنیتی غرب آسیا روز بروز بزرگ‌تر شد و همه کشورهای‌های اسلامی را درگیر مسائل جانبی و ضد امنیتی کرد. از سال ۱۹۹۰ م که شیمون پرز رئیس رژیم صهیونیستی طرح خارومیانه بزرگ را مطرح کرد؛ سودای استیلا بر جهان اسلام را تئوریزه کرد. زیرا می‌خواست پس از فروپاشی شوروی، ارتباط اسرائیل را با هشت کشور در آسیای مرکزی (ترکمستان، تاجیکستان، قرقیزستان، ازبکستان،

قزاقستان) و در قفقاز (گرجستان، ارمنستان و آذربایجان) گسترش دهد و حوزه قلمرو ژئوپلیتیک خود را توسعه بخشد؛ به گونه ای که در بخشی از این اهداف بویژه در کشورهای گرجستان، آذربایجان و ترکمنستان موفقیت‌هایی را هم کسب کرده است.

در منازعه اعراب و اسرائیل، پنج موضوع اصلی وجود دارد که عبارتند از: بیت المقدس، مرزها، امور مربوط به شهرک سازی‌ها، آوارگان فلسطینی و منابع آبی مشترک. به جز بیت المقدس سایر موضوعات، موارد اصلی منازعه سوریه و اسرائیل هستند. ثمره این موضوعات، اشغال و نامنی است (Mousavi, 2009: 2). از سال ۱۹۷۳ تاکنون، آمریکا توانسته است کشورهای عربی به غیر سوریه را به صلح، حل اختلافات، به رسمیت شناختن اسرائیل و تعمیق روابط ترغیب نماید و آنان را به موضع انفعال بکشاند (Niakooei & Behmanesh, 2012: 109). سوریه ۸۰ درصد خاک استان قیطره خود را در طی حمله اسرائیل در نبرد شش روزه اعراب از دست داد. و عملاً این بخش از خاک کشور به اشغال اسرائیل درآمد و روابط دو کشور بیش از گذشته تیره تر شد. از سوی اشغال بخشی از بلندی‌های جولان از سوی صهیونیست‌ها، اسرائیل را با یک نگرانی‌های ژئوپلیتیکی بیشتری مواجه می‌کند. چرا که رژیم صهیونیستی با سرزمین‌های اشغالی از عمق استراتژیک برخوردار نیست و هر لحظه امنیت این رژیم از سوی حلقه مقاومت تهدید می‌شود. از سوی کشور سوریه تنها کشور عربی مستقل در منطقه خاورمیانه بوده است که با دارا بودن جمعیت بالا نسبت به کشورهای عربی و توان نظامی بالا برای مقابله با رژیم صهیونیستی همواره برای اسرائیل در منطقه خطرناک بوده است.

اسرائیل در بحران ژئوپلیتیک سوریه یکی از مهم‌ترین ذی‌نفع‌ها بوده است. با درگیر شدن کشورهایایی مثل عراق، سوریه و یمن به مسائل داخلی و مبارزه با داعش افکار جهان اسلام از مساله اول جهان اسلام، فلسطین و قدس شریف پراکنده می‌شود و اسرائیل به روند توسعه فضای حیاتی با شهرک سازی گسترده‌تر و اعلام اورشلیم به عنوان پایتخت کشورش، خود را از یک منگنه ژئوپلیتیکی خارج می‌کند. از طرفی حلقه مقاومتی که در اطراف این رژیم در سوریه و لبنان و کرانه باختری رود اردن شکل گرفته است ضعیف می‌شود و زمینه را برای تحقق آرمان خاورمیانه بزرگ فراهم می‌کند. لذا تمام توان و پتانسیل خود را در بخش‌های تسلیحاتی و اقتصادی، رسانه ای و دیپلماتیک به کار گرفته تا بتواند از گسترش گروه‌های مقاومت مانند: حزب الله، حماس، انصار الله، دفاع الوطنی سوریه، حشد الشعبی عراق و ... جلوگیری کند. اما شواهد میدانی نشان می‌دهد که این گروه‌های مقاومت ریشه پیدا کرده اند و جزئی لاینفک از دغدغه و

نگرانی‌های ژئوپلیتیک اسرائیل شده اند که می‌توان آن‌ها را در منطقه جنوب غرب آسیا بعنوان یک بازیگر مهم در این تحولات ژئوپلیتیک برشمرد.

علایق ژئوپلیتیک عربستان

کشور عربستان سعودی در جنوب غرب آسیا در حاشیه جنوبی خلیج فارس قرار دارد که با یک نظام قبیله‌ای موروثی که در انحصار یک خاندان (آل سعود) است، اداره می‌شود. این کشور تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی با ایران یک رقابت کنترل شده و مسالمت آمیز زیر چتر آمریکا داشته است. اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ۱۹۷۹م و ترس از وقوع انقلاب‌های مردمی در کشورهای حاشیه خلیج فارس، وارد یک رقابت ستیزه جویانه با ایران شد. در اولین گام شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۹۸۱م با هدف مقابله با قدرت منطقه‌ای ایران به رهبری عربستان تاسیس شد. بعد از آن نیز حوادثی از قبیل به شهادت رساندن بیش از ۲۷۰ نفر حجاج ایرانی در سال ۱۳۶۶ه. ش، بی حرمتی به زائران ایرانی و در نهایت به شهادت رساندن بیش از ۵۰۰ حجاج ایرانی در سال ۱۳۹۴ م حاکی از اوج تیرگی روابط دو کشور بوده است. عربستان که تمایل ندارد قلمرو نفوذ ژئوپلیتیک ایران در سوریه، لبنان، یمن، فلسطین و بحرین و ... گسترش یابد؛ با ایران درگیر یک جنگ نیابتی در سطح منطقه است. حمله به یمن، کمک‌های مالی هنگفت به گروه‌های تروریستی، اعمال نفوذ در لبنان از طریق سعد حریری و... حکایت از این رقابت ستیزه جویانه دارد. عربستان در سوریه علایق ژئوپلیتیک مشابه آمریکا و اسرائیل دارد. عربستان با اقدامات زیر سعی در تشدید بحران سوریه دارد تا بتواند از این طریق به علایق ژئوپلیتیک خود در منطقه دست یابد.

- فعال‌سازی شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب در جهت اعمال فشار علیه بشار

اسد و زمینه سازی برای تکرار تجربه لیبی در سوریه

- کمک مالی، تسلیحاتی و لجستیکی به معارضان سوریه در داخل و خارج
- همکاری و هماهنگی ریاض با محور منطقه‌ای ترکیه-اسرائیل و تا حدودی در گذشته با قطر و محور بین المللی با آمریکا، فرانسه و انگلیس، با هدف تضعیف و براندازی نظام و دولت

فعالی سوریه

- تلاش برای تقویت جریان سلفی و وهابی در سوریه

- فعال‌سازی رسانه‌های گروهی مانند شبکه العربیه و نشریاتی چون الشرق الاوسط والحیاء برای تحریک افکار عمومی جهان غرب و اسلام علیه دولت سوریه و تخریب چهره آن در اذهان عمومی (Rajabi, 2012: 136).

عربستان به شدت نگران نفوذ منطقه‌ای ایران به خصوص در میان شیعیان است و تلاش می‌کند تا نقش و نفوذ آن را کاهش دهد. عربستان سعی دارد درگیری در سوریه را به نوعی نزاع بین شیعه و سنی نشان دهد و از این طریق رهبری و ریاست اهل سنت را برعهده گیرد (Sadeghi, et. All, 2015: 116). □
سعودی‌ها تصور می‌کنند با معرفی حکومت سوریه به عنوان نماد شیعیان، دولت این کشور را در مقابل سنی‌های سوریه که ۷۰ درصد از جمعیت کشور را شکل می‌دهند قرار بدهد و بتواند جنگ مذهبی به وجود آورد و خود را از موج اعتراضات مصون دارد (Altamini, 2012: 8).

علائق ژئوپلیتیک ترکیه

ترکیه از زمان آتاتورک به دنبال تبدیل ترکیه به یک کشور تماما اروپایی و غربی در حوزه‌های تجاری، فرهنگی و نظامی بوده و در این راستا در دولت‌های مختلف در ترکیه برای رسیدن به این اهداف اقداماتی هم صورت گرفته است. در حوزه نظامی ترکیه به پیمان ناتو پیوست و در حوزه فرهنگی و اقتصادی هم سعی کرد به عنوان یک اقتصاد مبتنی بر بازار و گردشگری نقش ایفا کند که فعالیت‌های زیادی را هم در این حوزه انجام داد. اما به هدف و آرزوی خود که عضویت در اتحادیه اروپا بود نائل نشد، که همین امر دلسردی و ناامیدی زیادی را برای ترک‌ها به ارمغان آورده است. لذا در چند سال اخیر گرایش فراوانی به ارتباط با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و نفوذ بیشتر در منطقه خاورمیانه نشان داده است.

سوریه و ترکیه از زمان قرارداد سایکس پیکو همواره با یکدیگر اختلاف داشتند. ترکیه به دنبال ایجاد یک حکومت مدرن غربی نوعثمان گرایی بوده است و سوریه به دنبال یک حکومت غیر عثمانی با ناسیونالیسم عرب بود. اما اختلافات دو کشور همواره پیرامون چند عامل مهم ژئوپلیتیک بوده است:

۱- مساله کردها: دولت ترکیه از زمان برقراری حکومت جمهوری مصطفی کمال پاشا (آتاتورک)، برخورد سلبی با کردها و جنبش‌های کردی را در پیش گرفته و تلاش نمود از طریق سرکوب و ادغام کردها در جامعه ترک، این مسئله را حل کند (Ahadi, 2008: 49). سالیانه حدود ۳۰ درصد بودجه نظامی کلان ترکیه صرف مهار کردها می‌شود (Fatemi Nasab & Chegini 2011: 176). این امر باعث شده

تا دولت ترکیه سال‌ها سوریه را متهم به حمایت از نارضیان شورشی کرد کند و مدعی است که مرکز تجمع آنها در استان‌های حسکه و حلب و بویژه شهرهای کوبانی و عفرین می‌باشد.

پس از شکست بزرگ داعش در سوریه در اواخر سال ۲۰۱۷، جنگ و درگیری جدیدی در شمال غرب این کشور تحت عنوان عملیات شاخه زیتون آغاز شد و ترکیه به بهانه تامین امنیت مرزهای خود به شمال سوریه یعنی منطقه «عفرین» حمله کرد؛ این در حالی است که نیروهای آمریکایی نیز در یکی دیگر از شهرهای کردنشین یعنی منبج مستقر شدند و به عنوان اهرم فشاری در تحولات میدانی از آن استفاده کردند. آنکارا هدف عملیات شاخه زیتون را پاکسازی منطقه عفرین از وجود گروه‌هایی با محوریت پ.ک.ک اعلام کرده است و مقابله با شاخه سوری آن یعنی پ.ی.د و شاخه نظامی آن ی.پ.گ که نام خود را به "نیروهای دموکراتیک سوریه" تغییر داده را از جمله مهمترین خواسته‌های خود در این عملیات معرفی کرده است و در راه رسیدن به آن حتی از برخی گروه‌های تروریستی - تکفیری حمایت و پشتیبانی به عمل آورد. این در حالی است که آمریکا با حمایت از کردهای سوریه از آنها به عنوان پیاده نظام خود در عرصه تحولات میدانی استفاده می‌کند تا به برگ برنده در پای میز مذاکره تبدیل شوند و به نوعی دست خالی از بازی سوریه خارج نشود اما حاصل بازی شروع شده در شمال سوریه که به تقارن علایق ژئوپلیتیک ترکیه و آمریکا منتهی شده است؛ چندان شیرین نیست و عملیاتی که از آن تحت عنوان شاخه زیتون یاد می‌شود نه تنها صلحی را به بار نمی‌آورد، بلکه زمینه درگیری و تنش را بیش از پیش فراهم می‌کند و بازی که در غائله کردستان عراق به ثمر نشست را این بار باید در سوریه ای مشاهده کنیم که درد جنگ، فقر و ویرانی را تحمل می‌کند و دولت مرکزی سوریه مجبور است در هر نقطه از کشور با عده ای تروریست متجاوز وارد مبارزه شود، در نتیجه راهی که در شمال عراق به بن بست رسید این بار در سوریه دنبال می‌شود

۲- مساله رود فرات: رودخانه فرات طولانی‌ترین رودخانه در جنوب غرب آسیاست، که از ترکیه سرچشمه می‌گیرد. طول این رودخانه ۲۷۰۰ کیلومتر بوده که پس از عبور از سوریه وارد عراق شده و به خلیج فارس می‌ریزد. اگر چه کمتر از ۳۰ درصد مساحت حوضه این رودخانه در ترکیه قرار دارد ولی ۹۴ درصد از سرچشمه آن در ترکیه قرار دارد (Jafari Veldani, 1999: 762). احداث مجموعه سدها و سازه‌های آبی همانند سد و نیروگاه برق- آبی آتاتورک، در جنوب شرقی ترکیه بر روی سرچشمه‌های فرات موجب ایجاد چالش هیدروپلیتیکی بین دو کشور شده است و با توجه به تغییرات اقلیم و محدودیت

بارش، در آینده پیش بینی می‌شود شدیدتر نیز شود. ترکیه بعنوان یک کشور بالا دست، حقابه سوریه را نمی‌دهد و با احداث سد‌های بزرگ مانند آتاتورک و پروژه گاپ حجم زیادی از این آب را مصادره کرده است.

۳- **اختلاف بر سر استان اسکندرون:** استان اسکندرون (با نام ترکی هاتای) تا سال ۱۹۳۹م بخشی از سوریه بود، اما در این سال توسط فرانسه که قیمومیت سوریه را برعهده داشت به ترکیه واگذار گردید. جدایی اسکندرون از سوریه برای این کشور تاثیر عمیق ژئوپلیتیک را به دنبال داشت. زیرا با جدایی اسکندرون، سوریه نیمی از سواحل خود را در دریای مدیترانه از دست داد (Ahadian, 2008: 173).

۴- **ترکیه هم پیمان ناتو و غرب، سوریه هم پیمان کشورهای شرق روسیه، چین و ایران:** ترکیه از آغاز بحران ۲۰۱۱م سوریه مواضع متناقض داشت. روزی به دنبال نابودی سوریه و طرفدار مخالفان سوری و مسلح کردن و خرید نفت داعش بوده‌اند و روزی دیگر در اردوی طرفدار صلح و ثبات در سوریه هستند که این مساله ناشی از عدم تعادل در سیاست خارجی سیاستمداران ترکیه است. ترکیه احساس می‌کرد با سیاست نوعثمان گرایی حزب حاکم عدالت و توسعه و وقوع تحولات در سوریه می‌تواند نفوذ خود را در خاورمیانه توسعه بخشد. به گونه ای که اردوغان گفته بود: سوریه دروازه ورود ترکیه به خاورمیانه عربی است. در واقع تنها مسیری که ترکیه در حال حاضر به آن امیدوار است تا موقعیت منطقه‌ای خود را بهبود بخشد (Niakooei & Behmanesh, 2012: 128). به نظر می‌رسد حمله دی ماه ۹۶ ترکیه بهعفرین سوریه در ظاهر برای مقابله با کردها، اما در واقع برای نیل به علایق ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک خود می‌باشد. از سویی خواهان نابودی و سرکوب کردهای پ.ک.ک است و از سویی دیگر با اشغال خاک سوریه به دنبال رها شدن از تنگنای شدید جغرافیایی در استان‌های جنوبی می‌باشد. در عملیات اشغال نظامی ترکیه علی رغم اختلاف دیدگاه بین کردها و دولت سوریه اما این قوم با دولت بشار اسد در زمینه مبارزه با داعش و جلوگیری از اشغال سرزمینشان توسط ترکیه، مواضع یکسانی داشته‌اند و در میدان عمل هم با یکدیگر همکاری دارند.

در پایان می‌توان گفت، ترکیه سعی دارد، پرستیژ ژئوپلیتیک خود را در خاورمیانه به عنوان یک نظم دهنده منطقه‌ای همانند روسیه و ایران بهبود بخشد. البته باید یادآور شد که روابط نزدیک حزب حاکم ترکیه و اخوان المسلمین که یکی از مهم‌ترین گروه‌های اپوزسیون سوریه می‌باشند؛ ناشی از فعالیت ترکیه در

سایر حوزه‌ها بویژه در زمینه دیپلماسی برای اعمال نفوذ در سوریه است. در این مساله علایق ژئوپلیتیک ترکیه و قطر خیلی به هم نزدیک است.

تحولات جدید و آخرین وضعیت میدانی سوریه

بحران ژئوپلیتیک که توسط داعش در منطقه جنوب غرب آسیا از هفت سال پیش که شروع شده بود و روز به روز بر گسترش نفوذ این گروه تروریستی در سرتاسر این منطقه بویژه در کشورهای عراق و سوریه افزوده می‌شد؛ نهایتاً در ۳۰ آبان ماه ۱۳۹۶ با اعلام فرمانده کل سپاه قدس ایران رو به افول نهاده شد. هرچند بخش‌های از این عناصر از در اختیار داشتن سرزمین‌های وسیع به همراه پایگاه‌های مجهز برخوردار نبودند اما در درون مردم نفوذ کرده بودند تا جان خود را در امان نگه دارند. در کشور سوریه این عناصر در بخش‌هایی از استان دیرالزور و بخش‌هایی از شهر البوکمال هنوز مستقر هستند که در آخرین درگیری سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران طی دو عملیات متوالی، در تاریخ ۱۳۹۷/۰۷/۹ با موشک و پهپاد به مقر سرکردگان گروهک‌های تروریستی که در جنایت روز ۳۱ شهریور در اهواز نقش داشتند، حمله کرد. در این عملیات، در مرحله اول، از ۶ فروند موشک بالستیک زمین به زمین از انواع ذوالفقار و قیام استفاده شد. یگان هوافضای سپاه، در این عملیات از ۷ فروند هواپیمای بدون سرنشین نیز در بمباران اهداف مورد نظر خود در منطقه البوکمال در سوریه (شرق فرات) استفاده کرده است. (خبرگزاری فارس، ۹ مهرماه ۱۳۹۷). سایر تحولات میدانی سوریه طی ماه‌های سپتامبر و اکتبر ۲۰۱۸ به شرح ذیل می‌باشد.

تحولات اخیر (سپتامبر و اکتبر ۲۰۱۸) شمال سوریه

آخرین خبرها از تحولات میدانی شمال سوریه حاکیست، دهها تن از عناصر گروه تروریستی حزب التركستانی در شمال غرب استان حماه و در نزدیکی مرزهای اداری استان ادلب در تلاش بودند حملاتی را علیه مواضع نیروهای سوری انجام دادند عناصر تروریستی در صدد بودند به مناطق تحت کنترل ارتش سوریه در حدفاصل روستاهای «المنصوره و تل واسط» نفوذ کنند؛ این مناطق در شمال‌ترین بخش دشت الغاب واقع شده‌اند نیروهای ارتش سوریه با رصد‌های میدانی دقیق موفق شدند تحرکات تروریست‌ها را در این محور رصد کنند نیروهای سوری قبل از شروع حملات عناصر تروریستی با پشتیبانی یگان توپخانه وارد میدان شدند و پس از درگیری سنگین یک ساعته موفق شدند عملیات تروریست‌ها را در این محور خشی کنند در این نبرد ۳۰ تن از عناصر تروریستی در جریان درگیری‌ها کشته و زخمی شدند؛ سایر عناصر تروریستی هم پس از متحمل شدن خسارت‌های سنگین عقب نشینی کردند و به سمت مناطق مرزی

استان ادلب متواری شدند تروریست‌ها در صدد بودند با اشغال مناطق نظامی در حدفاصل روستاهای «المنصوره و تل واسط» به مناطق مرزی استان لاذقیه نزدیک شوند و ارتباط مناطق جنوبی و شمالی را با اخلال مواجه کنند که با هوشیاری نیروهای سوری ناکام ماندند لازم به ذکر است؛ حدود ۲۰ درصد از مناطق شمالی و شمال غربی استان حماه از جمله شهرک‌های «معرکه، لحایا، منصوره، کفرزیتا، لطمانه و بخش‌هایی از شرق دشت الغاب» تحت اشغال گروه‌های تروریستی است

اواخر شهریور ماه ۱۳۹۷ رئیس‌جمهور ترکیه برای رایزنی درباره سرنوشت تحولات شمال سوریه به شهر سوچی روسیه سفر کرد. رئیس‌جمهور ترکیه با همتای روس خود در سوچی توافق کردند تا ۱۵ اکتبر (۲۳ مهر ماه) سال جاری در خط ارتباطی معارضان مسلح با ارتش سوریه، یک منطقه غیر نظامی با عمق ۱۵-۲۰ کیلومتر ایجاد کنند و پلیس نظامی ترکیه و روسیه بر آن نظارت داشته باشند و در این مدت سلاح‌های سنگین از ادلب خارج شود پس از این توافق خبرها از شمال سوریه حاکیست، بخش عمده‌ای از گروه‌های تروریستی تجهیزات سنگین نظامی خود را براساس توافق به دست آمده در شهر سوچی از محدوده خط تماس با ارتش سوریه خارج و به سمت مرکز استان ادلب عقب نشینی کردند. حدود هزار و ۳۰۰ تن از عناصر تروریستی، محدوده خط تماس با نیروهای ارتش سوریه را ترک کرده‌اند و به همراه تجهیزات نظامی در عمق استان ادلب مستقر شده‌اند تا همه تحولات براساس توافق سوچی پیش رود هر چند برخی از تروریست‌ها و ارتش آزاد به این توافق کاملاً پایبند نبودند (خبرگزاری مشرق، ۲۵ مهرماه ۱۳۹۷).

یکی از موارد نقض تعهد حملات گروه تروریستی «هیئت تحریر الشام» - که جبهه النصره رکن اصلی تشکیل دهنده آن است - شامگاه چهارشنبه (۳ آبان ۱۳۹۷) شهر حلب را گلوله‌باران کرد ارتش سوریه در واکنش به این حملات در اواخر نیمه شب گذشته با تروریست‌ها در اطراف محله «جمعیه الزهراء» در شمال غرب حلب درگیر شد تروریست‌ها با بیش از ۴۰ خمپاره محله‌های «الخالدیة، الأعظمیة، الأکرمیة، الشهباء الجدیدة، سیف الدوله، حلب الجدیدة، المتحلق و خیابان النبیل» و مقرهای ارتش سوریه را هدف قرار دادند ارتش سوریه نیز با توپخانه و موشک‌انداز مواضع تروریست‌ها را هدف گرفت

این حملات در حالی انجام می‌گیرد که گروه‌های تروریستی ادعا کرده بودند سلاح سنگین خود را بر اساس توافق ادلب از منطقه عاری از سلاح خارج کرده‌اند (خبرگزاری فارس، ۰۸/۳/۱۳۹۷).

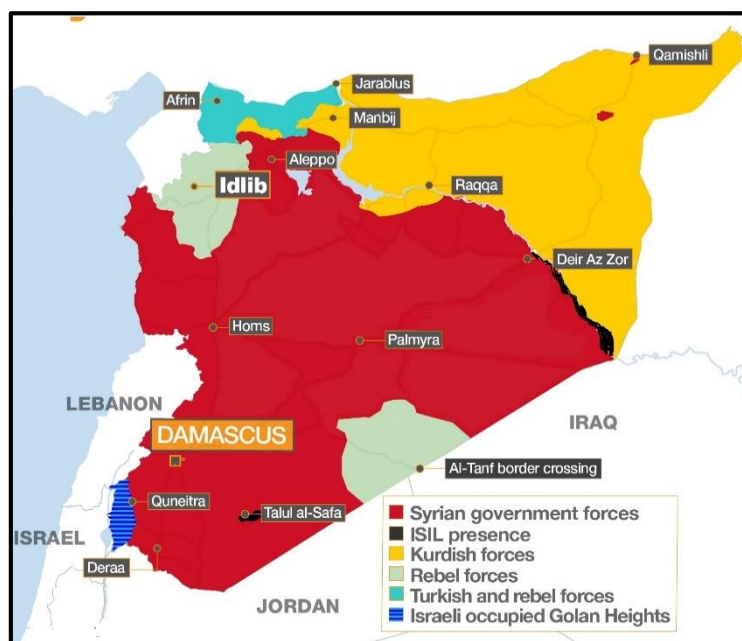
ترکیه که در اجرای این توافق متعهد شده بود که تروریست‌ها را از این منطقه خارج کند. اما هنوز نتوانسته است به تعهد خود عمل کند؛ زیرا تروریست‌ها باید تا ۱۵ اکتبر از این منطقه خارج می‌شدند که این اتفاق رخ نداده است

تحولات اخیر (سپتامبر و اکتبر ۲۰۱۸) جنوب سوریه

شبه‌نظامیان کُرد در هفته اول اکتبر عملیات نوار ساحلی شرق رود فرات را آغاز به صورت گام به گام و با احتیاط پیشروی کردند. در ادامه نیروهای ویژه آمریکایی موسوم به «مارینز» برای حمایت از نیروهای شبه‌نظامی کُرد وارد میدان شدند اگر چه پیشروی نیروهای شبه‌نظامی کُرد در نوار ساحلی شرق رود فرات به کندی صورت می‌گیرد اما تحولات به گونه‌ای نیست که تروریست‌ها شکست ناپذیر باشند □
ته‌مانده‌های تروریست‌های داعش در نوار ساحلی شرق رود فرات فقط به دنبال خرید زمان هستند و آمریکایی‌ها هم با وارد کردن گروه محدودی از نیروهای زمینی خود در نبرد با داعش درصدد بهره‌برداری رسانه‌ای در جهان هستند تا این گونه القا کنند که با تروریسم مبارزه می‌کنند آخرین تحولات میدانی از نوار ساحلی شرق رود فرات حاکمیت، شبه‌نظامیان کُرد با پشتیبانی نیروهای آمریکایی، یگان‌های هوایی، موشکی و توپخانه‌ای ائتلاف غربی عملیاتی را از حومه شمالی شهرک «باغور فوقانی» علیه تروریست‌های داعش در شهرک «السوسه» انجام دادند شبه‌نظامیان کُرد پس از چندین ساعت درگیری سنگین در نهایت توانستند خطوط دفاعی تروریست‌های داعش را در هم بشکنند و وارد شهرک «السوسه» شوند؛ این شهرک راهبردی نقطه اتصال شهرک‌های باغور فوقانی و هجین است براساس اطلاعات به دست آمده، ۵۰ درصد از شهرک السوسه تاکنون به تصرف نیروهای شبه‌نظامی کُرد درآمده است؛ شهرک «هجین» مهم‌ترین پایگاه بازمانده‌های گروه تروریستی داعش در نوار ساحلی شرق رود فرات است با پیشروی‌های صورت گرفته توسط شبه‌نظامیان کُرد، در حال حاضر، حدود ۹۰ کیلومتر مربع از مساحت نوار ساحلی شرق رود فرات (شهرک‌ها و روستاهای مهمی از جمله الشعفه، الکشمه، ابوحسن، ابوالخاطر و هجین) در اشغال تروریست‌های داعش است

در قسمتی دیگر از خاک سوریه که هم مرز با اردن هست؛ عناصر داعشی با حمایت همسایگان عربی و جبهه غرب سعی در حفظ آخرین سنگر در جنوبی‌ترین قسمت سوریه هستند. عملیات نیروهای ارتش با پشتیبانی جنگنده‌ها، یگان‌های توپخانه و موشکی علیه هسته‌های خاموش محاصره شده داعش در منطقه «تلول الصفا» در غرب استان دمشق همچنان در جریان است. براساس گزارش‌های مستند موثق نیروهای

سوری پس از درگیری‌های سنگین با تروریست‌های داعش توانستند چند ایستگاه دفاعی را در حومه منطقه ناهموار و کوهستانی «الجروف الصخریه» در محور شمالی منطقه «تلول الصفا» به کنترل دریاورند. چند گروه از نیروهای ارتش سوریه در محور شرقی و جنوبی منطقه «تلول الصفا» مستقر شده‌اند تا از فرار عناصر تروریستی داعشه سمت مناطق مرزی مشترک با اردن و منطقه التنف (پایگاه نیروهای آمریکایی در جنوب استان حمص و مرزهای مشترک با عراق) جلوگیری کنند. در حال حاضر، هسته‌های خاموش محاصره شده گروه تروریستی داعش در منطقه تلول الصفا در غرب استان دمشق، مساحتی در حدود ۲۶۵ کیلومتر مربع را در اشغال دارند؛ قابل ذکر است نیروهای سوری ارتباط تروریست‌ها را در منطقه تلول الصفا قطع و آنان را در بخش شمالی و جنوبی محاصره کرده‌اند (خبرگزاری مشرق، ۶ مهرماه ۱۳۹۷).



نقشه ۱- آخرین تحولات میدانی سوریه سپتامبر و اکتبر ۲۰۱۸

منبع: <https://syria.liveuamap.com/>

در نقشه بالا آخرین تحولات میدانی سوریه در ماه‌های اکتبر و سپتامبر ۲۰۱۸ نشان داده شده است. در این نقشه رنگ قرمز که بیشترین وسعت را در بر دارد سرزمین‌هایی است که در اختیار دولت سوریه و

ارتش آن می‌باشد. که با حمایت‌های ایران و روسیه بخش اعظمی از خال خود را از اشغال تروریست‌ها خارج کرد. کردهای سوریه که با رنگ زرد نمایش داده شده در استان‌های شمالی بویژه حسکه و قسمت‌هایی از رقه و دیرالزور مستقر هستند. این گروه با حمایت‌های آمریکا مناطق قابل توجهی را در شمال شرق سوریه در اختیار دارد. سومین گروهی که بیشتر با دولت سوریه در حال تنش و درگیری هستند و آخرین جبهه تروریست‌ها می‌باشد در استان‌های ادلب و جنوب سوریه در بخش‌هایی از استان‌های حمص و حومه دمشق (ریف دمشق) بویژه منطقه ی تنف هستند که عناصر گروه جبهه النصره و شاخه‌های آن مانند احرار الشام و... با حمایت‌های عربی و غربی تاکنون این مناطق را از دست نداده‌اند. شمال و شمال غرب سوریه که با رنگ آبی فیروزه‌ای مشخص شده است. نیروهای نظامی ترکیه با عملیات شاخه زیتون منطقه عفرین را اشغال کرده تا ارتباط کردها را با منطقه حلب قطع کنند و تا نزدیکی آخرین پایگاه کردها در منبج که با حمایت آمریکا مسلح بوده‌اند خود را رسانده‌اند. منطقه جنوب غرب سوریه که با رنگ آبی هاشور زده شده است؛ استان قنیطره می‌باشد که به اشغال رژیم صهیونیستی در بخش‌هایی از این استان بویژه در بلندی‌های جولان درآمده است؛ یکی از معبرهای مهم برای تقویت تروریست‌ها و ارتباط با آنها می‌باشد. عناصر داعش هم که با رنگ مشکی نشان داده است به علت کاهش حمایت‌های بین‌المللی غربی و عربی و شکست از نیروهای سوری و ایرانی - روسی بیشتر در نوار مرزی استان دیرالزور با حمص به شکل پراکنده بویژه در مناطقی از شهرهای البوکمال و تلول الصفا در حومه دمشق حضور دارند.

توافقات آمریکا، روسیه و اسرائیل بر سر آینده حضور ایران

پس از کاهش درگیری‌های نظامی و میدانی و افول قدرت داعش با کمک ایران و روسیه و در اختیار قرار گرفتن بخش اعظمی از خاک سوریه توسط دولت سوریه زمینه برای حل و فصل راه‌حل‌های سیاسی در جهت بهبود امنیت و توسعه و بازسازی سوریه فراهم شد. سلسله نشست‌هایی که در سوچی - آستانه - آنکارا - تهران و ... با مشارکت روسای جمهور ایران - روسیه - ترکیه انجام می‌شد باهدف ترسیم آینده سوریه بدور از دخالت‌های خارجی و سپردن سرنوشت کشور به مردم سوریه صورت می‌گرفت. اما در این برهه حساس تاریخی، کشورهای آمریکا و اسرائیل که در عرصه میدانی نتوانسته بودند به نیت خود برسند سعی می‌کنند تا از راه دیپلماتیک نفوذ ایران را کم کنند. در ادامه به برخی از این تلاش‌های دیپلماتیک اشاره می‌شود:

نشست رئیس‌جمهور امریکا دونالد ترامپ با ولادمیر پوتین در در ۱۶ ژوئیه ۲۰۱۸ در هلسینکی داشت که یکی از محورهای این نشست نقش ایران در سوریه بوده است. و امریکا خواهان عقب نشینی نیروهای ایران از سوریه بوده است.

سرگئی شویگو، وزیر دفاع روسیه در ۲۸ ژوئن ۲۰۱۸ با آویگدور لیبرمن، وزیر جنگ رژیم صهیونیستی در مسکو دیدار و درباره منطقه کاهش تنش در جنوب سوریه گفتگو کرد. وزیر جنگ اسرائیل از روسیه خواسته‌هایی مبنی بر خروج نیروهای نظامی ایرانی از جنوب سوریه داشته است.

در جریان دیدار نتانیاهو از روسیه (۹ می ۲۰۱۸)، کرملین به این کشور قول داده اجازه نمی‌دهد که سوریه تبدیل به جبهه درگیری ایران و اسرائیل گردد.

هرچند سفرهایی نتانیاهو نخست وزیر رژیم صهیونیستی به روسیه داشته است و در این سفرها تمام تلاش‌های خود را می‌کند تا دیدگاه روسیه را نسبت به حضور ایران در سوریه تغییر دهد؛ که البته موفقیت‌هایی هم در این تلاش‌ها کسب کرده است که از نشانه‌های آن اجلاس‌های سوریه با حضور ترکیه و روسیه در سپتامبر ۲۰۱۸ در سوچی بدون حضور ایران و اجلاس دیگری که در استانبول در ۲۷ اکتبر ۲۰۱۸ برگزار شد. نشست استانبول پیرامون بحران سوریه با حضور بالاترین مقامات کشورهای روسیه، ترکیه، فرانسه و آلمان بدون حضور ایران بوده است. سعی بر این بوده تا نقش ایران را در این تلاش‌های دیپلماتیک کم رنگ کنند. که اردوغان در این اجلاس اظهار داشت: ایران نقش مهمی در سوریه دارد و ما نتایج این نشست را در اختیار آنها قرار خواهیم داد. حتی پوتین هم با موضعی محتاطانه اعلام کرد که بررسی مسائل سوریه بدون حضور ایران را نمی‌توان نادیده گرفت.

لیکن در پایان تحلیل این نشست‌ها و اجلاس‌های بین‌المللی که به دنبال آینده سوریه بدون حضور ایران است می‌توان فهمید ایران یک قدرت غیر قابل انکار منطقه‌ای است که آینده سوریه را نمی‌توان بدون آن ترسیم کرد. از آنجایی که هم مسئولان سیاسی و لشکری ایران هم اعلام کرده اند که حضور مستشاری ایران در این کشور به دعوت رسمی دولت قانونی سوریه برای مبارزه با تروریسم بوده است و قدرت‌های فرامنطقه‌ای بویژه آمریکا و غرب نمی‌توانند در این مساله دخالت کنند. لذا با تاکید بر این اصل متقن، دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران باید سعی کند آینده سیاسی سوریه را بدون حضور ایران در مجامع بین‌المللی ترسیم نشود و حضور ایران را بعنوان یک بازیگر مهم منطقه نادیده نگیرد.

نتیجه‌گیری

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ م دو گفتمان در منطقه جنوب غرب آسیا حاکم شد. گفتمان ژئوپلیتیک مقاومت با محوریت ایران به همراه کشورهای سوریه، عراق پس از صدام و جنبش‌های مقاومتی چون حزب الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی فلسطین، حزب الدعوه و حشدالشعبی در عراق، دفاع الوطنی سوریه و انصار الله یمن شکل گرفت. در نقطه مقابل، گفتمان ژئوپلیتیک سلطه با محوریت آمریکا و همراهی کشورهای اروپای غربی، اسرائیل و کشورهای مرتجع عرب به منظور کاهش قدرت، نفوذ و نابودی گفتمان ژئوپلیتیک نوپای مقاومت بنیان نهاده شد. لیکن از آن جایی که آرمان‌های انقلاب اسلامی در تضاد با هر گونه سلطه طلبی و روحیه استکباری می‌باشد و هدف آن دفاع از ملت‌های مظلوم است؛ تقابل این دو گفتمان همچنان در منطقه جنوب غرب آسیا حاکم خواهد بود. امروزه کشور سوریه مهم‌ترین میدان تقابل این دو گفتمان حاکم است؛ که همه بازیگران خارجی این بحران ژئوپلیتیک را به دنبال علایق ژئوپلیتیک خود می‌باشند.

همان‌طور که در ادامه در شکل شماره ۴ نشان داده شده است؛ علایق ژئوپلیتیک ایران بعنوان مهم‌ترین بازیگر منطقه‌ای، حفظ و گسترش حلقه مقاومت و گسترش حوزه ژئوپلیتیک آن در سوریه، عراق، لبنان و فلسطین، نابودی گروه‌های تروریستی و قطع ارتباط آنها با محور غربی - عربی - ترکی و دفاع از ایدئولوژی اسلام ناب می‌باشد. در نقطه مقابل ترکیه، عربستان و اسرائیل با حمایت‌های آمریکا هم به دنبال کاهش نقش ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیکی ایران و منفصل کردن جنبش‌های مقاومت و نابودی آنها هستند. همچنین در سطح منطقه‌ای ترکیه با مواضع متغیر و پیچیده سعی بر حضور فعال در منطقه غرب آسیا و سوریه دارد. هر چند این بی‌ثباتی در سیاست‌های منطقه‌ای ترکیه این کشور را دچار یک سردرگمی برای رسیدن به علایق ژئوپلیتیک خود کرده است. همین امر باعث شده ترکیه به جزء در مسائل هیدروپلیتیک فراتر در محقق شدن سایر علایق ژئوپلیتیک خود چندان موفق نبوده است. ضمناً در سطح جهانی بررسی این بحران ژئوپلیتیک، روسیه به دنبال داشتن پایگاه دریایی و هوایی در سوریه و غلبه هژمونی خود در غرب آسیا می‌باشد و از سوئی آمریکا هم به دنبال حفظ منافع خود در منطقه خاورمیانه و جبران تجربه‌های ناموفق در عراق و افغانستان است. از آن جایی که هر یک آنها به دنبال افزایش هژمونی جهانی خود و گسترش پرستیژ می‌باشند؛ لذا نزدیک شدن علایق ژئوپلیتیک آنها در مساله سوریه به دور از ذهن است. در شکل زیر به طور اختصار این علایق در دو بخش اختصاصی و مشترک به نمایش گذاشته شده است.

علائق ژئوپلیتیکی اختصاصی بازیگران خارجی سوریه				
ایران	روسیه	ترکیه	آمریکا	اسرائیل
۱- قرار دادن اسرائیل در منگنه ژئوپلیتیکی و محدود کردن آن	۱- دسترسی به آب های گرم دریای مدیترانه	۱- افزایش عمق ژئواستراتژیکی خود در مناطق جنوبی	۱- جلوگیری از هژمونی طلبی روسیه در خاورمیانه	۱- دسترسی به بلندی های جولان و سلفی گری و وهابیت
۲- جلوگیری از تحركات مخرب ترکیه	۲- جلوگیری از نفوذ گروه های تروریستی به مناطق پیرامون	۲- سرکوب کردهای سوریه	۲- حفاظت و افزایش بازار تسلیحاتی در منطقه	۲- دسترسی به منابع آب بیشتر با اشغال سوریه
۳- قطع کمک های مالی و تسلیحاتی کشورهای عربی به تروریست ها	۳- افزایش قدرت هژمونی روسیه در خاورمیانه و جهان	۳- استفاده از ظرفیت ناتو	۳- افزایش نفوذ و قدرت ناتو	۳- تضعیف، نابودی جریان های مقاومت شیعیان سوریه، لبنان، عراق و ایران
۴- افزایش قدرت حلقه مقاومت ضد صهیونیستی	۴- دسترسی کامل بر منابع آب منطقه غرب آسیا	۴- افزایش پرستیژیک ژئوپلیتیکی در منطقه	۴- دسترسی آسان و ارزان به منابع نفت و گاز	۴- مقابله با حضور ایران
۵- دفاع از حریم اهل بیت	۵- امنیت کامل و تسلط بر استان هاتای خود	۵- افزایش پرستیژیک ژئوپلیتیکی در منطقه	۵- گسترش فرهنگ به اصطلاح دموکراسی و ایدئولوژی سکولاریسم در کشورهای مسلمان	۵- ایجاد فاصله جغرافیایی بین ایران با منطقه زیر نفوذ اسرائیل
۶- امنیت کامل و تسلط بر استان هاتای خود	۶- امنیت کامل و تسلط بر استان هاتای خود	۶- امنیت کامل و تسلط بر استان هاتای خود	۶- تضعیف امنیت اسرائیل	۶- ایجاد فاصله جغرافیایی بین ایران با منطقه زیر نفوذ اسرائیل
۷- امنیت کامل و تسلط بر استان هاتای خود	۷- امنیت کامل و تسلط بر استان هاتای خود	۷- امنیت کامل و تسلط بر استان هاتای خود	۷- تضعیف امنیت اسرائیل	۷- ایجاد فاصله جغرافیایی بین ایران با منطقه زیر نفوذ اسرائیل
۸- امنیت کامل و تسلط بر استان هاتای خود	۸- امنیت کامل و تسلط بر استان هاتای خود	۸- امنیت کامل و تسلط بر استان هاتای خود	۸- تضعیف امنیت اسرائیل	۸- ایجاد فاصله جغرافیایی بین ایران با منطقه زیر نفوذ اسرائیل

علائق ژئوپلیتیکی مشترک میان بازیگران خارجی سوریه				
ایران - روسیه	روسیه - ترکیه	آمریکا - اسرائیل	ترکیه - آمریکا	اسرائیل - آمریکا - عربستان - ترکیه
۱- حفظ نظام سیاسی حاکم	۱- حفظ و گسترش روابط دیپلماتیکی و اقتصادی با روسیه در عین وجود اختلافات در مسائل منطقه ای	۱- درگیر کردن امت جهان اسلام به مسائل داخلی و غفلت از رژیم صهیونیستی	۱- کاهش قدرت و نفوذ روسیه و ایران در سوریه	۱- شکستن حلقه مقاومت
۲- مقابله با داعش و النصره	۲- مقابله با داعش و النصره	۲- تامین امنیت کامل اسرائیل به هر قیمتی	۲- اشغال نظامی و حضور در سوریه به بهانه کردها	۲- حمایت های مالی و تسلیحاتی از گروه های تروریستی (داعش و النصره)
۳- مقابله هژمونی طلبی، نفوذ و اشغال آمریکا	۳- مقابله با داعش و النصره	۳- مقابله با داعش و النصره	۳- کاهش قدرت منطقه ای ایران	۳- کاهش قدرت منطقه ای ایران
۴- برگزاری انتخابات آزاد و صلح در سوریه	۴- تشکیل کنفرانس های صلح با حضور همه گروه های مخالف	۴- تشکیل کنفرانس های صلح با حضور همه گروه های مخالف	۴- براندازی و تغییر رژیم بشار اسد	۴- براندازی و تغییر رژیم بشار اسد
۵- مقابله با گسترش نفوذ نظامی ناتو در منطقه پیوسته خاورمیانه	۵- مقابله با گسترش نفوذ نظامی ناتو در منطقه پیوسته خاورمیانه	۵- مقابله با گسترش نفوذ نظامی ناتو در منطقه پیوسته خاورمیانه	۵- مقابله با گسترش نفوذ نظامی ناتو در منطقه پیوسته خاورمیانه	۵- مقابله با گسترش نفوذ نظامی ناتو در منطقه پیوسته خاورمیانه

شکل ۴- علایق ژئوپلیتیک مهم ترین بازیگران خارجی بحران سوریه

منبع: نگارندگان.

در پایان می توان به دو مساله اشاره کرد؛ اول اینکه منبع اصلی ناامنی در منطقه غرب و جنوب غرب آسیا رژیم صهیونیستی می باشد که با حمایت های بی دریغ آمریکا سعی بر خارج کردن خود از تنگنای ژئواستراتژیکی دارد و به دنبال نابودی جریان مقاومت با حمایت های جبهه غربی-عربی است. دوم این که مساله بحران ژئوپلیتیک سوریه بیش از هر دوره ای از تاریخ روابط ایران و روسیه، علایق ژئوپلیتیک دو کشور را در منطقه غرب آسیا به هم نزدیک کرده است. این مساله باعث گردیده است که رژیم صهیونیستی با تحركات ویژه در عرصه دیپلماسی و روابط بین الملل با روسیه و به جریان انداختن لابی یهودیان ساکن در این کشور سعی در تغییر مواضع فدراسیون روسیه دارند. لیکن پیشنهاد می شود دستگاه دیپلماسی این مسائل را دقیق تر رصد کنند تا روسیه در برابر اسرائیل موضع منفعلانه اتخاذ نکند.

کتابنامه

1. Ahadian, M. (2008). *Geography of security of neighboring countries*. Tehran: Shahid Sayyad Shirazi educational and research center. (In Persian)
2. Ahmadi, Gh. & Bahrami, Z. (2015). *US performance in Chemical disarmament Syrian*. Defense Policy Magazine. 23(3), 199-227. (In Persian)
3. Ahmadian, M. (2009). *Geographical Features of Islamic Countries*. Mashhad: Sokhan Gostar Publications. (In Persian)
4. Al- Tamini, N. (2012). *China Saudi Arabia relations : economic partnership or strategic alliance?* The Middle East Journal. 4(68). 649-651. [In English]
5. Babajanipour, Z. (2013). *US strategy in Syria from 2011-2012*. Journal of Regional Studies. 14(2), 115-140. (In Persian)
6. Cohen, S. (2008). *Global Geopolitical System*. Translated by Abbas Kardan. Tehran: Contemporary Abrar Institute Publications. (In Persian)
7. Dehghan, Y, Ketabi, M. & Jafarinezhad, M. (2016). *Ethnic-religious differences and its impact on the formation of radicalism in Syria*. Quarterly journal of political and international research of Islamic Azad University of Shahreza Branch. 8(29), 97-127. (In Persian)
8. Dehshiri, M. & Golestan, M. (۲۰۱۴). *The Great Powers' Handwriting in Managing the Syrian International Crisis in the Multi-Polar System*. International Journal of Political Studies, Islamic Azad University. Shahreza Branch. 8(27), 1-38. (In Persian)
9. Emerson, M, Piteri, O. & Gerikoori, M. (2002). *Balance of Power*. Translating Research Institute for Strategic Studies, First Edition. Tehran: Strategic Studies Research Institute (In Persian)
10. Fatemi Nasab, A. & Chegini, A. (2011). *Turkish foreign policy and developments in Syria and its impact on political security of the Islamic Republic of Iran*. Quarterly Journal of Political and International Studies of Azad University, Shahreza Branch, 3(9), 171-184. (In Persian)
11. Ghadeen, A. (2001). *Travel Dates and Pilgrimage Places of Damascus*, Fifth Edition. Tehran: Mouser's publication. (In Persian)
12. Ghasemian, R. (2013). *Investigation into Syrian developments Roots, actors and outcomes*. Tehran: Publications of the Secretariat of Islamic Awakening Studies. (In Persian)
13. Hafeznia, M. (2006). *Geopolitical Principles and Concepts*. Tehran: Papoli Publications. (In Persian)
14. Hafeznia, M. (2010). *Power and National Interests*. Tehran: Entekhab Publishing. (In Persian)
15. Jafari Veldani, A. (1999). *Syria and Turkey disagreements over Hataa region*. Foreign Policy Magazine. 13(3), 763-788. (In Persian)
16. Kavousi, R. (2016). *A comparative study of Iran-Saudi Arabia and Turkey's foreign policy toward Syria*. Tehran: Master's thesis at Tarbiat Modares University. (In Persian)
17. Ministry of Foreign Affairs. (2008). *Syria. Green Cover*. Tehran: Ministry of Foreign Affairs Department of Printing and Publishing. (In Persian)

18. Mohammad Khani, R. (2009). *Explaining the New Realism Approach in International Relations*. Political Studies Quarterly. 1(3), 83-100. (In Persian)
19. Mousavi, H. (2009). *Syrian and Israel negotiations: foundations, trends and complexity*. Strategic Studies Quarterly. 12(1), 119-162. (In Persian)
20. Movaphaghiyan, P, Ahmadi, S. & Azimi, Y. (2012). *Investigating and evaluating the geographic composition of Durrani forces and their external tendencies*. Quarterly Journal of Applied Geosciences Research. 12(27), 111-122. (In Persian)
21. Niakuye, S. & Bahmanesh, H. (2012). *Opposite actors in Syria: Goals and Approaches*. Foreign Relations Quarterly. 5(4), 97-135. (In Persian)
22. Nozari, F. (2016). *The effect of geopolitical interests of the Oman Sea Region actors on defining the defense strategy of the Islamic Republic of Iran*. Journal of Defense Policy. 24(95), 35-72. (In Persian)
23. O'Tauthail, G. Dolby, S. & Routledge, P. (2001). *Geopolitical thoughts in the twentieth century*. (Hafezia, M.R. & Nasiri, H., Trans.), Tehran: Publication of the Ministry of Foreign Affairs. (In Persian)
24. Rahmatipour, L. (2014). *Strategic Culture of China's Dialogue on International Crisis Management (Case Study of the Syrian Crisis)*. Proceedings of the First International Conference on Economics, Management, Accounting and Social Sciences. Rasht: June 31. (In Persian)
25. Rajabi, S. (2012). *Analyzing the status and strategic role of Syria in regional and international relations with a glimpse of recent developments in Syria*. Magazine Fifteen Khordad. 10(34), 123-155. (In Persian)
26. Sadeghi, S. Akhavan Kazemi, M. & Lotfi, K. (2015). *Syria crisis and geopolitical controversy of regional powers*. Islamic World Political Studies Quarterly. 4(16), 107-128. (In Persian)
27. Sajedi, A. (2013). *Syria crisis and the interference of foreign powers*. International Relations Quarterly. 6(24), 125-155. (In Persian)
28. Sardarnaia, Kh. & Kayani, F. (2017). *Analysis of the Syrian crisis from the perspective of social gaps*. The Political Science Sociology of the Islamic World. 4(1).111-132. (In Persian)
29. Sarei Olghalam, M. (1999). *Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran: A Theoretical Review and Coalition Paradigm*. Tehran: Strategic Research Center. (In Persian)
30. Shams Dolatabadi, M. & Hafeznia, M.R. & Afshordi, M.H. (2007). *Geopolitical interests of Iran in Central Asia and advanced opportunities*. Geopolitical Quarterly. 3(3), 78-119. (In Persian)
31. Sheikholeslami, M.H. & Beigi, M. (2013). *Analysis of the role of the Russian Federation and the policies of the Russian Federation towards the Syrian crisis*. Horizons of Security. 6(20), 137-166. (In Persian)
32. Simbar, R. & Ghorbani, A. (2014). *Islamism in the international system, Approaches and Approaches*. Tehran: Imam Sadiq University Press. (In Persian)
33. www.dur.ac.uk/alsabah/publications/insights/
34. www.farsnews.com/news/13970709000063/ 6
35. www.hafeznia.ir/index.php/news/94

36. [Www. mashreghnews.ir/news/901556/](http://www.mashreghnews.ir/news/901556/)

37. [Www. syria.liveuamap.com](http://www.syria.liveuamap.com)